



عقلانیت اخلاق

نگرشی فلسفی به بنیان‌ها و هنجارهای اخلاقی

دکتر مجید ابوالقاسم‌زاده



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

بهار ۱۴۰۱

ابوالقاسم زاده، مجید، ۱۳۵۳-
عقلانیت اخلاق: نگرشی فلسفی به بنیان‌ها و هنجارهای اخلاقی / مجید ابوالقاسم زاده - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه،
۱۴۰۱.

دوازده، ۲۴۴ ص. _ (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۶۲۰؛ فلسفه و کلام: ۲۶).
بها: ۷۶۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-298-380-0

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه. ص. [۲۳۱] ۲۳۹.

نمایه.

۱. اخلاق -- فلسفه -- راهنمای آموزشی (عالی). ۲. Ethics -- Philosophy -- Study and teaching (Higher).
۳. اخلاق اسلامی -- راهنمای آموزشی (عالی). ۴. Islamic ethics -- Study and teaching (Higher). الف. پژوهشگاه
حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.

۱۷۰

BJ۳۷

۸۷۶۵۱۶۳

شماره کتابشناسی ملی



عقلانیت اخلاق؛ نگرشی فلسفی به بنیان‌ها و هنجارهای اخلاقی

مؤلف: دکتر مجید ابوالقاسم زاده (عضو هیئت علمی دانشگاه معارف اسلامی)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: بهار ۱۴۰۱

تعداد: ۲۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۷۶۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات

۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۰۹۰۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی آسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۶۰۰۲۶۴۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: <http://rihu.ac.ir/fa/book>

مرکز یخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظرگرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۶۱۰ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته‌های مرتبط با اخلاق در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و نیز برای دانشجویانی که رشته‌شان در ارتباط با اخلاق نیست اما دو واحد درسی‌شان را فلسفه اخلاق تشکیل می‌دهد، قابل استفاده است.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم آقای دکتر مجید ابوالقاسم‌زاده، ارزیاب محترم آقای دکتر محمد فتحعلی‌خانی و نیز از ناظر محترم آقای دکتر علیرضا آل‌بویه سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

مقدمه ۱

فصل اول: کلیات

درس اول: تعریف اخلاق، علم اخلاق و فلسفه اخلاق

تعریف اخلاق و علم اخلاق.....	۸
تعریف فلسفه اخلاق.....	۱۰
اخلاق توصیفی.....	۱۰
اخلاق هنجاری.....	۱۰
فرااخلاق.....	۱۱
خلاصه درس.....	۱۳
پرسش‌ها.....	۱۳

درس دوم: موضوع، محمول، روش، ضرورت و هدف فلسفه اخلاق

موضوع و محمول فلسفه اخلاق.....	۱۶
روش فلسفه اخلاق.....	۱۷
ضرورت و هدف فلسفه اخلاق.....	۱۸
خلاصه درس.....	۲۰
پرسش‌ها.....	۲۰
سؤالات پژوهشی فصل اول.....	۲۱
منابعی برای مطالعه بیشتر.....	۲۲

فصل دوم: اخلاق هنجاری

درس سوم: تعریف اخلاق هنجاری و نظریه‌های آن، خودگرایی

تعریف اخلاق هنجاری.....	۲۶
نظریه‌ها در اخلاق هنجاری.....	۲۶
غایت‌گرایی.....	۲۷
خودگرایی.....	۲۹
ارزیابی.....	۳۱
۱. نادرستی خودگرایی روان‌شناختی.....	۳۱
۲. نادرستی مادی‌گرایی و دنیاگرایی.....	۳۲
۳. فقدان ملاک در ترجیح خود.....	۳۳

۳۳فقدان راه‌حل در صورت تزاخم منافع شخصی افراد
۳۳تعمیم‌ناپذیری و هرج و مرج اجتماعی
۳۴ناتوانی در محاسبه منافع شخصی
۳۵خلاصه درس
۳۶پرسش‌ها

درس چهارم: دیگرگرایی، سودگرایی عمل‌نگر و سودگرایی قاعده‌نگر

۳۸دیگرگرایی
۴۰ارزیابی
۴۰۱. نداشتن توجیه منطقی در ترجیح عاطفه
۴۱۲. وجود قوه حاکم بر عاطفه به نام عقل
۴۱۳. محدود شدن اخلاق به اخلاق اجتماعی
۴۲همه‌گرایی یا سودگرایی
۴۳سودگرایی عمل‌نگر
۴۴ارزیابی
۴۵۱. بی‌توجهی به قواعد کلی
۴۵۲. خوب شدن عمل ذاتاً بد
۴۵۳. برتری عمل بد بر عمل خوب در شرایط برابر
۴۶۴. تأمین نشدن همزمان منافع شخصی و عمومی
۴۷سودگرایی قاعده‌نگر
۴۸ارزیابی
۴۸۱. نداشتن توجیه منطقی در ترجیح قواعد و منافع عمومی
۴۹۲. نبودن راه‌حل در صورت تزاخم قواعد
۴۹۳. ارزش پیدا کردن رفتارهای بد و ناپسند
۵۰۴. محدود شدن اخلاق به اخلاق اجتماعی
۵۱خلاصه درس
۵۲پرسش‌ها

درس پنجم: سودگرایی عام، وظیفه‌گرایی عمل‌نگر و وظیفه‌گرایی قاعده‌نگر

۵۴سودگرایی عام
۵۵ارزیابی
۵۵جامع نبودن معیار سود اکثری
۵۶وظیفه‌گرایی
۵۷وظیفه‌گرایی عمل‌نگر
۵۸ارزیابی

۵۸.....	۱. بی‌توجهی به غایت فعل
۵۹.....	۲. نادیده گرفتن قواعد کلی
۵۹.....	۳. مشکلات عمل‌نگری
۶۰.....	وظیفه‌گرایی قاعده‌نگر
۶۳.....	ارزیابی
۶۳.....	۱. نادیده گرفتن غایت فعل
۶۴.....	۲. فقدان راه‌حل در صورت تراحم قواعد اخلاقی
۶۵.....	خلاصه درس
۶۶.....	پرسش‌ها

درس ششم: اخلاق فضیلت و تقریر سعادت‌گرایی آن

۶۸.....	اخلاق فضیلت
۶۸.....	مؤلفه‌های اخلاق فضیلت
۶۹.....	۱. تقدّم «خوب» بر «باید» یا تقدّم «ارزش» بر «الزام»
۶۹.....	۲. تأکید بر انگیزه و منش فاعل یا تأکید بر حُسن فاعلی
۷۱.....	۳. تأکید بر الگوی اخلاقی
۷۱.....	۴. واقعی بودن فضایل اخلاقی
۷۲.....	سعادت‌گرایی
۷۴.....	ارزیابی
۷۴.....	۱. بی‌توجهی به چگونه شدن یا توجه صرف به چگونه بودن
۷۵.....	۲. توجه کافی نداشتن به اصول و قواعد اخلاقی
۷۵.....	۳. ناتوانی در حلّ تراحم میان فضایل
۷۶.....	۴. ناتوانی در تشخیص انگیزه‌ها و شناسایی الگوها
۷۶.....	۵. عدم توجه لازم به دیگرگرایی
۷۷.....	۶. عدم جامعیت ملاک حدّوسط
۷۸.....	خلاصه درس
۷۹.....	پرسش‌ها

درس هفتم: اخلاق اسلامی و امتیازات آن

۸۲.....	اخلاق اسلامی
۸۲.....	رابطه اخلاق و دین
۸۳.....	۱. تعیین برخی مصادیق ارزش‌ها
۸۳.....	۲. تعیین هدف اخلاق
۸۴.....	۳. ایجاد ضمانت اجرایی برای اخلاق
۸۵.....	معیار ارزش اخلاقی

۸۷.....	معیار ارزش صفات نفسانی و افعال اختیاری
۸۹.....	امتیازات اخلاق اسلامی
۸۹.....	۱. قابلیت تبیین عقلانی
۹۰.....	۲. وابستگی به دین
۹۰.....	۳. انسجام و هماهنگی
۹۲.....	۴. مراتب داشتن ارزش‌ها
۹۳.....	۵. دوام و جاودانگی
۹۵.....	خلاصه درس
۹۶.....	پرسش‌ها

درس هشتم: امتیاز اخلاق اسلامی در جامعیت و شمول، اخلاق کاربردی

۹۸.....	۶. جامعیت و شمول
۹۸.....	الف) جامع همه کمالات (لذت، قدرت، سود و...)
۹۹.....	ب) خودگرایی، دیگرگرایی، همه‌گرایی و خداگرایی
۱۰۱.....	ج) فردی، اجتماعی، الهی و زیستی
۱۰۳.....	د) حُسن فعلی و حُسن فاعلی
۱۰۴.....	اخلاق کاربردی
۱۰۵.....	تفاوت اخلاق کاربردی با اخلاق توصیفی
۱۰۵.....	تفاوت اخلاق کاربردی با فرااخلاق
۱۰۶.....	تفاوت اخلاق کاربردی با اخلاق هنجاری
۱۰۷.....	رابطه اخلاق کاربردی و اخلاق حرفه‌ای
۱۱۰.....	خلاصه درس
۱۱۱.....	پرسش‌ها
۱۱۲.....	سؤالات پژوهشی فصل دوم
۱۱۵.....	منابعی برای مطالعه بیشتر

فصل سوم: فرااخلاق

درس نهم: تعریف فرااخلاق و مباحث آن، معناشناسی اخلاق

۱۲۰.....	تعریف فرااخلاق
۱۲۰.....	معناشناسی اخلاق
۱۲۱.....	هستی‌شناسی اخلاق
۱۲۱.....	معرفت‌شناسی اخلاق
۱۲۲.....	منطق اخلاق
۱۲۳.....	معناشناسی اخلاق
۱۲۳.....	مفاهیم اخلاقی

۱۲۵.....	خاستگاه مفاهیم اخلاقی
۱۳۰.....	خلاصه درس
۱۳۲.....	پرسش‌ها

درس دهم: هستی‌شناسی اخلاق (۱)؛ واقع‌گرایی و غیرواقع‌گرایی اخلاقی، مکاتب اخلاقی غیرواقع‌گرا

۱۳۴.....	تعریف واقع‌گرایی و غیرواقع‌گرایی اخلاقی
۱۳۶.....	لوازم واقع‌گرایی و غیرواقع‌گرایی اخلاقی
۱۳۷.....	۱. توانایی عقل در کشف احکام اخلاقی / ناتوانی عقل در کشف احکام اخلاقی
۱۳۸.....	۲. برهان‌پذیری قضایای اخلاقی / برهان‌ناپذیری قضایای اخلاقی
۱۳۹.....	۳. حصرگرایی اخلاقی / کثرت‌گرایی اخلاقی
۱۴۰.....	۴. اطلاق قضایای اخلاقی / نسبیّت قضایای اخلاقی
۱۴۰.....	مکاتب اخلاقی غیرواقع‌گرا و ارزیابی آنها
۱۴۲.....	امرگرایی
۱۴۲.....	توصیه‌گرایی
۱۴۲.....	احساس‌گرایی
۱۴۳.....	جامعه‌گرایی
۱۴۳.....	قراردادگرایی
۱۴۴.....	ارزیابی کلی: چالش توجیه
۱۴۶.....	خلاصه درس
۱۴۷.....	پرسش‌ها

درس یازدهم: هستی‌شناسی اخلاق (۲)؛ مکاتب اخلاقی واقع‌گرا

۱۵۰.....	مکاتب اخلاقی واقع‌گرا و ارزیابی آنها
۱۵۱.....	سعادت‌گرایی
۱۵۱.....	لذت‌گرایی
۱۵۲.....	دنیا‌گریزی
۱۵۲.....	قدرت‌گرایی
۱۵۳.....	عاطفه‌گرایی
۱۵۳.....	سودگرایی
۱۵۴.....	وجدان‌گرایی
۱۵۵.....	نظریه عقل عملی
۱۵۶.....	اخلاق اسلامی
۱۶۲.....	خلاصه درس
۱۶۳.....	پرسش‌ها

درس دوازدهم: معرفت‌شناسی اخلاق (۱)؛ راه‌های شناخت احکام اخلاقی

۱۶۶	معرفت‌شناسی اخلاق
۱۶۷	تعریف شناخت‌گرایی و ناشناخت‌گرایی در اخلاق
۱۶۸	راه‌های شناخت احکام اخلاقی و اعتبار معرفتی هر یک
۱۶۸	شهود
۱۷۰	تجربه
۱۷۳	تعقل
۱۷۴	نقل
۱۷۷	خلاصه درس
۱۷۸	پرسش‌ها

درس سیزدهم: معرفت‌شناسی اخلاق (۲)؛ صدق و توجیه گزاره‌های اخلاقی

۱۸۰	تعریف صدق و توجیه
۱۸۱	توجیه گزاره‌های اخلاقی
۱۸۲	عقلی بودن قضایای اخلاقی
۱۸۴	یقینی بودن قضایای اخلاقی
۱۸۷	بدهت قضایای اخلاقی
۱۸۹	خلاصه درس
۱۸۹	پرسش‌ها

درس چهاردهم: معرفت‌شناسی اخلاق (۳)؛ اطلاق و نسبییت در اخلاق

۱۹۲	تعریف نسبییت و اطلاق اخلاقی
۱۹۳	دیدگاه‌ها درباره نسبییت یا اطلاق اخلاقی
۱۹۴	ارزیابی نسبی‌گرایی اخلاقی
۱۹۵	۱. بطلان غیرواقعی‌گرایی اخلاقی
۱۹۵	۲. شکاکیت اخلاقی
۱۹۵	۳. تساهل و تسامح اخلاقی
۱۹۶	انواع نسبی‌گرایی اخلاقی: نسبییت فردی و اجتماعی
۱۹۸	ارزیابی نسبییت فردی
۱۹۸	۱. ایجاد هرج و مرج و سلب امنیت
۱۹۸	۲. برخورداری انسان درستکار و تبهکار از ارزش برابر
۱۹۸	۳. بی‌معنا شدن تشکیل حکومت و وضع قوانین
۱۹۸	ارزیابی نسبییت اجتماعی
۱۹۹	۱. وجود اعتباری جامعه
۱۹۹	۲. ناتوانی در تعیین وظیفه اخلاقی عضو مشترک دو گروه

۱۹۹.....	۳. موجه بودن رفتار گروه‌های خلاف کار!
۱۹۹.....	۴. نادرستی رفتارهای مصلحان اجتماعی!
۲۰۰.....	ارزیابی اطلاق‌گرایی اخلاقی.....
۲۰۲.....	اشکال بر اطلاق‌گرایی: قرار گرفتن یک فعل تحت دو عنوان متضاد.....
۲۰۲.....	پاسخ اول: ترجیح بهتر بر خوب یا ترجیح بد بر بدتر.....
۲۰۳.....	پاسخ دوم: اقتضایی بودن حسن و قبح برخی افعال.....
۲۰۵.....	خلاصه درس.....
۲۰۶.....	پرسش‌ها.....

درس پانزدهم: منطق اخلاق

۲۰۸.....	تعریف منطق اخلاق.....
۲۰۸.....	دیدگاه‌ها درباره رابطه «باید» و «هست».....
۲۰۹.....	دیدگاه عدم استنتاج «باید» از «هست».....
۲۱۰.....	غیرواقع‌گرایان.....
۲۱۱.....	ارزیابی.....
۲۱۱.....	واقع‌گرایان.....
۲۱۲.....	نظریه عقل عملی.....
۲۱۳.....	ارزیابی.....
۲۱۳.....	۱. موجه نبودن بدهت امر مطلق.....
۲۱۳.....	۲. وجود رابطه میان عقل نظری و عقل عملی.....
۲۱۴.....	شهودگرایی.....
۲۱۷.....	ارزیابی.....
۲۱۷.....	۱. درست و مفید بودن تعریف تحلیلی.....
۲۱۸.....	۲. منحصر نبودن تعریف‌ها در تعریف تحلیلی.....
۲۱۹.....	۳. اثبات نشدن ادعای بدهت.....
۲۲۰.....	دیدگاه استنتاج «باید» از «هست».....
۲۲۳.....	خلاصه درس.....
۲۲۴.....	پرسش‌ها.....
۲۲۵.....	سؤالات پژوهشی فصل سوم.....
۲۲۹.....	منابعی برای مطالعه بیشتر.....
۲۳۱.....	منابع.....

نمایه‌ها

۲۳۹.....	نمایه آیات
۲۳۹.....	نمایه روایات
۲۴۰.....	نمایه اصطلاحات
۲۴۳.....	نمایه اشخاص

مقدمه

اهمیت علم اخلاق بر کسی پوشیده نیست. این علم برای هدایت انسان به کمال نهایی، اولاً، رفتارهای خوب و بد را که انجام یا ترک آنها لازم است، تعیین می‌کند؛ ثانیاً، ارزش صفات درونی و نفسانی را معین می‌سازد. از این رو، هم عالمان اخلاق و هم رهبران دینی همواره کوشیده‌اند از طریق آن، انسان‌ها را به هدف اصلی زندگی و کمال و سعادت حقیقی رهنمون سازند، اما باید توجه داشت که بدون پرداختن به مباحث فلسفه اخلاق که به مبادی تصویری و تصدیقی علم اخلاق می‌پردازد، منطقاً نمی‌توان از مسائل علم اخلاق بحث کرد. فلسفه اخلاق نه تنها به لحاظ معرفتی و روانی، باور و اطمینان ما را به ارزش‌های اخلاقی درست بیشتر می‌کند، بلکه در عمل نیز موجب پایبندی بیشتر به ارزش‌ها و تلاش برای حفظ و گسترش نظام اخلاقی درست می‌شود. از نگاهی دیگر، اگر معرفت به احکام اخلاقی را یقینی یا آنها را به طور مطلق معتبر ندانیم، نمی‌توان به مکتب اخلاقی قابل قبولی دست یافت؛ بلکه باید به کثرت‌گرایی اخلاقی روی آورد و همه مکتب‌ها را به یک اندازه معتبر و حقیقی دانست. درحالی‌که عقل واقع‌نگر و حقیقت‌یاب نه تنها حاضر به پذیرش این امر نیست، بلکه ارزیابی و بررسی مکتب‌های مختلف را برای خود امری ضروری می‌داند و تا به نظام اخلاقی درست و جامع دست نیابد، آرام نمی‌گیرد. روشن است که این مهم با مطالعه فلسفه اخلاق تحقق می‌یابد نه علم اخلاق.

کتابی که پیش‌رو دارید برای آشنایی اجمالی با مباحث اساسی و مهم فلسفه اخلاق اعم از اخلاق هنجاری و فرااخلاق تدوین شده است و با روش توصیفی، تحلیلی و عقلی به بیان منشأ و ملاک ارزش اخلاقی، ارزیابی نظریه‌های مختلف اخلاقی و ارائه منطقی و معقول از نظام

اخلاقی اسلام پرداخته است. برای این منظور، پس از فصل مربوط به کلیات فلسفه اخلاق، در فصل دوم به اخلاق هنجاری و سه دسته مکاتب اصلی آن (غایت‌گرایی، وظیفه‌گرایی و فضیلت‌گرایی) پرداخته می‌شود. ضمن آنکه در همین فصل به تناسب از اخلاق کاربردی نیز سخن به میان می‌آید. در فصل سوم، مباحث فرااخلاقی در چهار حوزه معاشناسی، هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و منطقی مورد تحلیل و بررسی می‌شود. اخلاق اسلامی با مبانی و ادله‌اش در دو فصل اخیر، هم از منظر اخلاق هنجاری و هم با نگاه فرااخلاقی، تبیین و اثبات شده است. سه فصل کتاب در قالب ۱۵ درس مطرح شده است. درس ۱ و ۲ به فصل نخست اختصاص پیدا کرد. فصل دوم در قالب ۶ درس ارائه شد و ۷ درس باقی‌مانده در فصل سوم مطرح شد.

کتاب حاضر به عنوان منبع اصلی درس «فلسفه اخلاق» برای دانشجویان رشته‌های اخلاق، فلسفه اخلاق و دیگر رشته‌هایی که «فلسفه اخلاق» یکی از عناوین درسی‌شان است، در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تهیه و تدوین شده است، البته با توجه به اینکه شیوه تحصیل در مقطع دکتری، آموزشی و پژوهشی است، با ضمیمه کردن مباحثی که با عنوان «سؤالات پژوهشی» در پایان هر فصل آمده است، می‌تواند برای مقطع دکتری هم مناسب و مفید باشد. امید است افزون بر دانشجویان، دیگر علاقه‌مندان به پژوهش‌های اخلاقی، به‌ویژه پژوهشگران حوزوی، نیز از این اثر بهره‌مند شوند.

از آنجا که این کتاب به منظور منبع درسی طراحی شده است، در غالب موارد از تفصیل و تحلیل عمیق مباحث و نگاه تخصصی به اختلاف نظرهای متعدد و طولانی صرف‌نظر گردید و این‌گونه مباحث در پایان هر فصل با عنوان «سؤالات پژوهشی» مطرح شد تا استادان محترم بتوانند از آن به عنوان موضوعاتی جهت مطالعات تکمیلی و تحقیقات کلاسی - به‌ویژه اگر به عنوان یکی از منابع درسی در مقطع دکتری قرار گیرد - استفاده نمایند.

در پایان پس از حمد و ثنای خداوند متعال بر خود لازم می‌دانم از همه کسانی که در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در چاپ این اثر به‌نحوی سهم بوده‌اند، به‌ویژه مدیر محترم پژوهشگاه علوم اسلامی جناب آقای دکتر محمد فتحعلی‌خانی که ارزیاب اثر بودند و مدیر محترم گروه فلسفه و کلام، حجت‌الاسلام و المسلمین جناب آقای دکتر علی شیروانی و نیز از ناظر محترم اثر حجت‌الاسلام جناب آقای دکتر علی‌رضا آل‌بویه تشکر و قدردانی کنم.

مقدمه ۳

همچنین از همه خوانندگان محترم بابت کاستی‌ها و نقایص این اثر عذرخواهی نموده و از آنها درخواست می‌کنم که حقیر را با پیشنهادها و هر گونه نظرات اصلاحی خود در جهت رفع کاستی‌های متن بهره‌مند گردانند.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

مجید ابوالقاسم‌زاده^۱

۲ آبان ۱۴۰۰ شمسی مصادف با ۱۷ ربیع الأول ۱۴۴۳ قمری

فصل اول

کلیات

درس اول

تعریف اخلاق، علم اخلاق و فلسفه اخلاق

از دانش‌پژوه انتظار می‌رود با فراگیری این درس به مباحث زیر آگاهی یابد:

۱. تعریف لغوی و اصطلاحی اخلاق؛

۲. تعریف علم اخلاق؛

۳. انواع پژوهش‌های اخلاقی؛

۴. تعریف فلسفه اخلاق.

پیش از تعریف فلسفه اخلاق، ابتدا به تعریف و تحلیل واژگان مؤثر در بحث از جمله اخلاق و علم اخلاق می‌پردازیم تا به تعریف دقیق‌تری از فلسفه اخلاق دست یابیم.

تعریف اخلاق و علم اخلاق

اخلاق واژه‌ای است عربی، جمع خُلُق (به ضم خاء) یا خُلُق (به ضم خاء و لام) به معنای سنجیه، طبع، سرشت و خوی. اصل این دو کلمه با واژه خَلَق (به فتح خاء) به معنای آفرینش یکی است. لکن خَلَق به صورت، صفات و ویژگی‌های ظاهری، اعم از زشت و زیبا تعلق می‌گیرد؛ اما خُلُق به سیرت، اوصاف باطنی و نفسانی اختصاص دارد اعم از آنکه حسن، نیکو و پسندیده باشد یا قبیح، بد و ناپسند. خَلَق با چشم سر دیده می‌شود؛ ولی خُلُق با چشم دل.^۱

در بین آثار و آرای عالمان مسلمان، سه معنای اصطلاحی برای اخلاق می‌توان یافت:

۱. صفات پایدار نفسانی: طبق این معنا که با معنای لغوی یکی است، اخلاق تنها صفات راسخ و پایدار نفسانی (ملکات) انسان را گویند که به آسانی و بدون نیاز به تفکر و تأمل موجب صدور فعل می‌گردد، اعم از آن که صفات خوب و پسندیده باشد یا بد و ناپسند.^۲
۲. مطلق صفات نفسانی قابل تحسین و تقبیح: مراد از اخلاق مطلق صفات نفسانی است،

۱. جوهری، الصحاح، ج ۴، ص ۱۴۷۱؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۴، ص ۱۹۴؛ زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج ۶، ص ۳۳۷؛ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۹۷؛ غزالی، کیمیای سعادت، ج ۲، ص ۵-۶. گفتنی است که در این آثار به تفاوت‌های دیگری نیز اشاره شده است از جمله اینکه: خُلُق به اختیار انسان حاصل می‌شود، اما خَلَق امری اختیاری نیست. از همین رو، ثواب و عقاب به خُلُق و صفات باطنی تعلق می‌گیرد نه خَلَق و صفات ظاهری. خَلَق قابل تغییر نیست، ولی خُلُق قابل تغییر است، امروزه در برخی از این تفاوت‌ها می‌توان تردید کرد.

در زبان انگلیسی، واژه اخلاق دو معادل دارد: یکی ethics از ریشه یونانی ethos به معنای رفتار و منش است و دیگری morality از ریشه لاتینی mores است به معنای رفتار و رسم و عادت، البته برخی بین این دو واژه تفاوت‌هایی قائل شدند: morality را به معنای علم اخلاق و ethics را به معنای فلسفه اخلاق دانستند. ر.ک: اتکینسون، درآمدی به فلسفه اخلاق، ص ۲۵-۲۶؛

Becker (editor), Encyclopedia of Ethics, V1, pp 329-331.

۲. بستانی، محیط محیط، ص ۲۵۱؛ مسکویه، تهذیب الاخلاق، ص ۳۶؛ طوسی، اخلاق ناصری، ص ۱۰۱؛ غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۳، ص ۵۸-۵۹؛ فیض کاشانی، المحجۃ البیضاء فی تهذیب الاحیاء، ج ۵، ص ۹۵؛ همو، الحقائق فی محاسن الاخلاق، ص ۵۴؛ فیاض لاهیجی، گوهر مراد، ص ۶۶۷؛ نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۲۲.

اعم از آنکه راسخ و پایدار باشد یا نباشد، از روی فکر و تأمل حاصل شود یا بدون آن، افعال حاصل شده از این صفات، خوب باشد یا بد.^۱

ثمره اختلاف این دو معنا در آن جایی ظاهر می شود که اگر فرد بخیلی - مثلاً - اعطای مال کرد، طبق معنای اول دارای خُلق نیکوی سخاوت نیست؛ چون این حالت به ندرت و به علل خاصی در او شکل می گیرد که اولاً، حال و گذراست و هنوز به مرحله پایداری نرسیده است تا صفتی نفسانی تلقی شود؛ ثانیاً همراه با سختی و تأمل صورت گرفته است، اما بر اساس معنای دوم، می توان آن شخص را نیکوکار و سخاوتمند دانست.

۳. صفات نفسانی و افعال اختیاری قابل تحسین و تقبیح: اخلاق در اصطلاح معنای سومی هم دارد که بر اساس آن افزون بر صفات نفسانی - اعم از راسخ و غیر راسخ - شامل افعال اختیاری انسان نیز می شود؛^۲ چون علم اخلاق، علمی است که به تحسین و تقبیح صفات اکتسابی و افعال اختیاری انسان برای نیل به کمال و سعادت می پردازد. این معنا به عنوان معنای مختار و برگزیده، اعم از دو معنای پیشین است؛ زیرا افزون بر صفات نفسانی، افعال اختیاری را نیز شامل می شود.

از علم اخلاق نیز تعاریف متعددی نزدیک به هم ارائه شده است. خواجه طوسی (۳۸۵-۴۶۰ ق) در تعریف آن می گوید: «علم است بدان که نفس انسانی را چگونه خلقی اکتساب توان کرد که جملگی افعالی که به اراده او از او صادر شود جمیل و محمود بود.»^۳ مرحوم نراقی (۱۱۲۸-۱۲۰۹ ق) بر این باور است که سعادت حقیقی انسان میسر نخواهد شد، مگر با تخلیه و پاکسازی از رذائل اخلاقی و آراستن خود به فضائل اخلاقی. از نظر او، علمی که عهده دار بیان این رذائل و نشان دادن راه مداوا و درمان آنهاست، علم اخلاق نامیده می شود.^۴

۱. مصباح یزدی، فلسفه اخلاق، ص ۱۵؛ مصباح، بنیاد اخلاق، ص ۲۵.

۲. مصباح، فلسفه اخلاق، ص ۱۷.

۳. طوسی، اخلاق ناصری، ص ۴۸.

۴. نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۲ و ۵؛ همو، علم اخلاق اسلامی (ترجمه جامع السعادات)، ج ۱، ص ۲۶ و ۳۲.

تعریف فلسفه اخلاق

فلسفه اخلاق^۱ علمی است که مبادی تصویری و تصدیقی علم اخلاق را مورد بررسی عقلی و فلسفی قرار داده و نیز معیارهای کلی ارزش اخلاقی را بیان می‌کند. برای توضیح بیشتر باید انواع پژوهش‌های اخلاقی را تبیین کنیم که معمولاً^۲ آنها را در قالب سه نوع پژوهش اخلاق توصیفی،^۳ اخلاق هنجاری^۴ و فرااخلاق^۵ مطرح می‌کنند.^۶

اخلاق توصیفی

اخلاق توصیفی صرفاً به توصیف و تبیین اخلاق افراد یا جوامع گوناگون می‌پردازد؛ یعنی اصول اخلاقی پذیرفته شده توسط فرد یا گروه خاص را با روش تاریخی و تجربی - نه عقلی و استدلالی - صرفاً توصیف و گزارش می‌کند و توجهی به درستی و نادرستی احکام اخلاقی و بایدها و نبایدهای اخلاقی جوامع و افراد ندارد.

اخلاق هنجاری

این نوع پژوهش که گاهی به آن اخلاق دستوری نیز گویند، به تبیین و بررسی افعال اختیاری انسان^۷ از حیث خوبی یا بدی و بایستگی و نبایستگی می‌پردازد. خواه معیار کلی برای خوبی، بدی، بایستگی و نبایستگی اخلاقی ارائه کند و خواه به خوبی، بدی، بایستگی و نبایستگی

1. Ethics.

۲. تعبیر به «معمولاً» به خاطر این است که طبق نظری دیگر، پژوهش‌های اخلاقی عبارت‌اند از اخلاق توصیفی، فلسفه اخلاق (مشکل از اخلاق هنجاری و فرااخلاق) و روانشناسی اخلاق.

3. Descriptive Ethics.

4. Normative Ethics.

5. Meta-Ethics.

۶. فرانکنا، فلسفه اخلاق، ص ۲۵-۲۶؛

Frankna & John T. Granrose, Introductory Reading in Ethics, p1.

۷. از این جهت که موضوع اخلاق هنجاری، افعال اختیاری انسان است و جهت هدایت انسان مستقیماً بر افعال اختیاری نظارت دارد، به آن «مسائل درجه اول» first-order-questions نیز گفته‌اند، در مقابل فرااخلاق که مسائل درجه دوم است second-order-questions.

ر. ک: Darwall, Philosophical Ethics, p 9.

اخلاقی افعال خاص پردازد؛ بنابراین، در اخلاق هنجاری دو بخش را باید از هم تفکیک کرد: بخش نخست که در مقابل و در عرض فرااخلاق است، از معیارهای کلی اخلاق سخن می‌گوید. خوب‌ها و بدهای کلی، بایدها و نبایدهای کلی، معیار خوبی و بایستگی افعال و... از جمله مباحث این بخش است؛ بخش دوم که می‌توان آن را مترادف با علم اخلاق دانست، از خوبی و بدی، بایستگی و نبایستگی و اخلاقی یا غیراخلاقی بودن افعال خاص می‌پردازد. به بیان ویلیام فرانکنا،^۱ اخلاق هنجاری از احکام هنجاری اخلاق بحث می‌کند؛ اعم از احکام ارزشی و احکام الزامی، و هر یک از این احکام خواه عام باشد و یا خاص.^۲

فرااخلاق

این نوع پژوهش به مبادی تصویری و تصدیقی علم اخلاق، یا تحلیل مفاهیم و قضایای اخلاقی می‌پردازد. موضوع این نوع پژوهش، نه اخلاق اقوام و جوامع است تا صرفاً به توصیف آنها پردازد، و نه افعال اختیاری انسان، تا وظیفه‌اش بحث و دفاع از ملاک‌های کلی افعال اخلاقی و تعیین مصادیق آنها باشد، بلکه مفاهیم و قضایای اخلاقی که در اخلاق هنجاری مطرح می‌شوند، موضوع بررسی و پژوهش فرااخلاق قرار می‌گیرند.^۳

تفاوت آشکار اخلاق هنجاری با فرااخلاق این است که فرااخلاق، به خلاف اخلاق هنجاری، به دنبال دفاع از حکم اخلاقی نیست؛ زیرا تعهد خاصی به یک نظریه اخلاقی ندارد. راستگویی چه خوب باشد چه بد، برای فرااخلاق یکسان است. فرااخلاق به دنبال تحلیل و بیان ماهیت خود حکم اخلاقی و مفاهیم آن است، خواه حکم اخلاقی «راست‌گویی خوب است» باشد یا «راست‌گویی بد است».^۴

اما دربارهٔ مجموعه مباحثی که بخش‌ها و قلمرو فلسفه اخلاق را تشکیل می‌دهند، باید

1. William Klaas Frankena (م 1994–1908).

۲. فرانکنا، همان، ص ۳۵–۳۸.

3. Becker (editor), Encyclopedia of Ethics, p 790–798.

۴. البته این مطلب بدان معنا نیست که فرااخلاق ارتباطی با اخلاق هنجاری ندارد، بلکه به عکس، نوع تحلیل‌های ما در فرااخلاق تأثیر مستقیم در نوع نظریه‌ای دارد که در اخلاق هنجاری اتخاذ می‌کنیم. مطلب مذکور تنها به این معناست که ما برای ارائه تحلیل‌های فرااخلاقی، نیازی به داشتن موضع خاص اخلاقی نداریم؛ مثلاً الزامی نداریم که از خوبی راست‌گویی دفاع کنیم.

بگوییم که دست‌کم دو دیدگاه عمده مطرح است: دیدگاه اول که اکثریت‌اند، بر این باورند که فلسفه اخلاق، اخلاق هنجاری و فرااخلاق را در بر می‌گیرد؛ دیدگاه دوم آن را مساوی و مترادف با فرااخلاق می‌داند، اما از آنجا که همه آنها عنوان فلسفه اخلاق را به‌کار می‌برند، بهتر است بگوییم که فلسفه اخلاق دارای دو معنای عام (دیدگاه اول) و خاص (دیدگاه دوم) است.^۱

دیدگاه برگزیده، به‌گونه‌ای جمع بین دو دیدگاه است؛ به این معنا که فلسفه اخلاق بخشی از اخلاق هنجاری (آنجا که معیار عام اخلاقی را تبیین و اثبات می‌کند و به دفاع معقولی از آن می‌پردازد) و تمام فرااخلاق (تحلیل‌های متعدد از مفاهیم و قضایای اخلاقی) را شامل می‌شود، اما اخلاق توصیفی به این دلیل مشمول فلسفه اخلاق قرار نمی‌گیرد که چون روش آن صرفاً تاریخی و تجربی است، درحالی‌که فلسفه اخلاق به پژوهش‌های عقلی و فلسفی می‌پردازد. از سوی دیگر، فلسفه اخلاق چون مبادی تصوری و تصدیقی علم اخلاق را بررسی و تحلیل می‌کند، بی‌شک فرااخلاق را شامل می‌گردد. اخلاق هنجاری نیز چون وظیفه‌اش منحصر در ارائه معیارهای کلی اخلاق و تعیین مصادیق آنها نیست، بلکه به تبیین عقلانی و فلسفی از آن معیارهای کلی هم می‌پردازد، ازاین‌رو، مشمول فلسفه اخلاق قرار می‌گیرد.

۱. ر.ک: وارنوک، فلسفه اخلاق در قرن بیستم، ص ۳۵.

خلاصه درس

– اخلاق واژه‌ای است عربی، جمع خُلُق یا خُلُق به معنای سنجیه، طبع، سرشت و خوی.

– اخلاق در اصطلاح به صفات نفسانی و افعال اختیاری قابل تحسین و تقبیح انسان گفته می‌شود.

– علم اخلاق علمی است که به بیان فضایل و رذایل اخلاقی و چگونگی آراسته شدن انسان به فضائل و پاکسازی از رذائل می‌پردازد.

– اخلاق توصیفی، اخلاق هنجاری و فرااخلاق برخی انواع پژوهش‌های اخلاقی‌اند.

– اخلاق توصیفی صرفاً به توصیف و تبیین اخلاق افراد یا جوامع گوناگون می‌پردازد و توجهی به درستی و نادرستی احکام اخلاقی یا بایدها و نبایدهای اخلاقی ندارد.

– اخلاق هنجاری به تبیین و بررسی افعال اختیاری انسان از حیث خوبی یا بدی و بایستگی و نبایستگی می‌پردازد. خواه معیار کلی برای حکم اخلاقی ارائه کند و خواه به حکم اخلاقی افعال خاص بپردازد.

– فرااخلاق به مبادی تصویری و تصدیقی علم اخلاق، یا تحلیل عقلی از مفاهیم و قضایای اخلاقی می‌پردازد.

– فلسفه اخلاق علمی است که مبادی تصویری و تصدیقی علم اخلاق را مورد بررسی عقلی و فلسفی قرار داده و معیارهای کلی اخلاق را بیان می‌کند.

پرسش‌ها

۱. معنای لغوی و اصطلاحی «اخلاق» چیست؟
۲. علم اخلاق را تعریف کنید.
۳. انواع پژوهش‌های اخلاقی کدامند؟ نام ببرید.
۴. اخلاق توصیفی چیست؟
۵. اخلاق هنجاری را با مثال تعریف کنید.
۶. آیا فلسفه اخلاق همان فرااخلاق است یا شامل اخلاق هنجاری نیز می‌شود؟ توضیح دهید.
۷. تعریف جامعی از فلسفه اخلاق ارائه دهید.

درس دوم

موضوع، محمول، روش، ضرورت و هدف فلسفه اخلاق

از دانش‌پژوه انتظار می‌رود با فراگیری این درس به مباحث زیر آگاهی یابد:

۱. موضوع فلسفه اخلاق؛

۲. محمول فلسفه اخلاق؛

۳. روش فلسفه اخلاق؛

۴. ضرورت فلسفه اخلاق؛

۵. هدف فلسفه اخلاق.

موضوع و محمول فلسفه اخلاق

برای درک بهتر موضوع و محمول فلسفه اخلاق، ابتدا لازم است به موضوع و محمول علم اخلاق اشاره کنیم، سپس موضوع و محمول فلسفه اخلاق را مشخص نماییم. افعال اختیاری انسان و صفات نفسانی، موضوع علم اخلاق را تشکیل می‌دهند و خوب (حسن)، بد (قبیح)، درست، نادرست، باید، نباید و وظیفه، برخی از محمول‌های علم اخلاق هستند؛ بنابراین، موضوع و محمول علم اخلاق، صرفاً مفاهیم اخلاقی هستند که برخی از آنها، یعنی مفاهیم دال بر صفات و افعال، موضوع علم اخلاق و برخی دیگر (مفاهیم ارزشی و لزومی)، محمول علم اخلاق واقع می‌شوند.

فلسفه اخلاق آنجا که اخلاق هنجاری را شامل می‌شود، به ارائه معیار کلی ارزش‌گذاری صفات نفسانی و افعال اختیاری می‌پردازد و آنجا که مباحث فرااخلاقی را در بر می‌گیرد، نه تنها تحلیل عقلی از مفاهیم اخلاقی (موضوعات و محمولات علم اخلاق) ارائه می‌دهد، بلکه جملات اخلاقی حاصل از این مفاهیم را نیز مورد تحلیل و بررسی عقلی قرار می‌دهد.

بر این اساس، موضوع فلسفه اخلاق، صرفاً مفاهیم اخلاقی نیست، بلکه جملات اخلاقی را نیز شامل می‌شود. محمول فلسفه اخلاق، همان احکامی است که عقل با تحلیل‌های نظری و فلسفی بر موضوعات فلسفه اخلاق حمل می‌کند. خواه احکامی که با نگاه اخلاق هنجاری به آن موضوعات نسبت داده می‌شود؛ خواه با نگاه فرااخلاقی. اخلاق هنجاری با استفاده از احکام اخلاقی یا مصادیق فضایل و رذایل اخلاقی که کار علم اخلاق است، به معیارهای عام ارزش می‌رسد. اینکه مثلاً هر رفتاری که غایتش لذت باشد، خوب است و باید انجامش داد یا هر فعلی که مطابق وظیفه باشد، خوب است و باید انجامش داد.^۱ فرااخلاق هم که به مبادی تصویری و تصدیقی علم اخلاق می‌پردازد. اینکه مثلاً «عدالت مفهومی بدیهی و بی‌نیاز از تعریف است» یا «حکم عدالت خوب است، مطلق است»، پس در هر صورت، کار فلسفه اخلاق، بحث و بررسی نظری و عقلی روی مفاهیم و جملات اخلاقی است.

بدین ترتیب، فلسفه اخلاق و علم اخلاق هم در موضوع و هم در محمول با هم تفاوت

۱. تفاوت این دو مثال آن است که مثال اول بر اساس مکتب لذت‌گرایی است که یکی از مکاتب غایت‌گرا و خودگرا به‌شمار می‌رود و مثال دوم بر اساس نظریه وظیفه‌گرایی است. به این مکاتب در فصل بعدی خواهیم پرداخت.

دارند. موضوع علم اخلاق فقط مفاهیم را شامل می‌شود، اما موضوع فلسفه اخلاق افزون بر مفاهیم، جملات اخلاقی را نیز دربرمی‌گیرد. محمول علم اخلاق را مفاهیم ارزشی و الزامی تشکیل می‌دهد در حالی که محمول مسائل فلسفه اخلاق، احکام و نتایج برآمده از بررسی‌های عقلی و فلسفی، یعنی معیارهای کلی ارزش و مبادی تصویری و تصدیقی علم اخلاق است. گفتنی است که علم اخلاق و فلسفه اخلاق، نسبت به مفاهیمی که موضوعشان قرار می‌گیرد نیز نگاه متفاوتی دارند. علم اخلاق می‌خواهد مفاهیم برخاسته از افعال اختیاری و صفات نفسانی را ارزش‌گذاری کند، اما فلسفه اخلاق دغدغه ارزش‌گذاری ندارد،^۱ بلکه به مبادی تصویری و تصدیقی آن مفاهیم می‌پردازد؛ یعنی می‌خواهد از آن مفاهیم، تحلیل نظری معناشناسانه، هستی‌شناسانه و معرفت‌شناسانه ارائه دهد.

روش فلسفه اخلاق

روش فلسفه اخلاق روشی عقلی و فلسفی است؛ نه تجربی یا شهودی یا نقلی. فیلسوف اخلاق صرفاً با نگاه عقلی و فلسفی، مفاهیم و احکام اخلاقی را تحلیل و بررسی می‌کند. برخلاف دانشمندان علوم طبیعی که از روش تجربی استفاده می‌کنند یا عارفان که از روش شهودی و عرفانی بهره می‌برند و یا عالمان علوم نقلی که تحت تأثیر روش نقلی هستند. هرچند در برخی علوم یا زیرشاخه‌های آنها از روش تلفیقی استفاده می‌شود، اما روش فلسفه اخلاق همواره عقلی است، حتی اگر برخی مقدمات استدلال‌های به‌کاررفته در فلسفه اخلاق، تجربی یا نقلی باشد، اما روش آن همچنان عقلی و قیاسی است. روش عقلی به قیاسی گفته می‌شود که همه مقدمات یا دست‌کم برخی مقدمات آن عقلی باشند؛ مقدماتی که یا از بدیهیات‌اند و یا به آنها می‌انجامند. بزرگ‌ترین امتیاز این روش بر روش‌های دیگر، تکیه بر بدیهیات است که موجب می‌شود نتیجه همواره یقینی باشد.^۲

۱. البته این تفاوت تنها در مورد آن بخش از فلسفه اخلاق که ناظر به فرااخلاق است، صدق می‌کند و گرنه آنجا که فلسفه اخلاق ناظر به اخلاق هنجاری است، ارزش‌گذاری هم صورت می‌گیرد، لکن معیار عام ارزش بیان می‌گردد، برخلاف علم اخلاق که به ارزش‌های جزئی یا مصادیق ارزش‌ها توجه دارد.

۲. برای آگاهی بیشتر از این روش و تفاوت آن با روش‌های دیگر، ر.ک: جمعی از نویسندگان، مبانی علوم انسانی اسلامی از دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی، ص ۲۱۳-۲۲۵.

ضرورت و هدف فلسفه اخلاق

اهمیت علم اخلاق بر کسی پوشیده نیست. علم اخلاق برای هدایت انسان به کمال نهایی، اولاً، رفتارهای خوب و بد را که انجام یا ترک آنها لازم است، تعیین می‌کند؛ ثانیاً، صفات درونی و نفسانی را – که با رفتارها و کارهای اختیاری تأثیر متقابل دارد و نیز حقیقت وجود انسان را تشکیل می‌دهد – معین می‌کند. از این رو، هم عالمان اخلاق و هم رهبران دینی همواره کوشیده‌اند تا از طریق آن، انسان‌ها را به هدف اصلی زندگی و کمال و سعادت حقیقی رهنمون سازند.

لکن باید توجه داشت که بدون پرداختن به مباحث فلسفه اخلاق، که به مبانی علم اخلاق و مبادی تصویری و تصدیقی آن و نیز تعیین معیار اصلی ارزش‌گذاری می‌پردازد، منطقاً نمی‌توان از مسائل علم اخلاق بحث کرد و دفاع منطقی و استدلالی از آن ارائه کرد؛ بنابراین، تعیین نظام اخلاقی کامل و درست – که منحصر در یک مکتب است – از بین مکاتب و نظام‌های اخلاقی متعدد را می‌توان هدف و غایت فلسفه اخلاق دانست. تعیین معیار ارزش و تحلیل عقلی و فلسفی از مفاهیم و جملات اخلاقی به این دلیل صورت می‌گیرد تا معلوم شود کدام مکتب اخلاقی، کامل‌ترین نظام اخلاقی را ارائه می‌دهد و انسان را به کمال حقیقی و نهایی‌اش هدایت می‌کند.

از نگاهی دیگر، می‌دانیم که شگاکیت و نسبی‌گرایی از جمله چالش‌های مهمی است که انسان در حوزه‌های مختلف فکری، به‌ویژه در اخلاق با آن مواجه است. اگر قابلیت صدق و کذب واقعی قضایای اخلاقی را نپذیریم و یا هیچ حکم اخلاقی را به طور مطلق و بدون قید و شرط معتبر ندانیم، در آن صورت نمی‌توان به مکتب اخلاقی قابل‌قبولی دست یافت، بلکه باید به کثرت‌گرایی اخلاقی روی آورد و همه مکاتب را به یک اندازه معتبر و برخوردار از حقیقت دانست؛ چه مکاتبی که مثلاً لذت، سود و قدرت را ملاک ارزش اخلاقی می‌دانند و چه مکاتبی که در مقابل آنها قرار دارند. عقل سلیم، واقع‌نگر و حقیقت‌یاب نه تنها حاضر به پذیرش این امر نیست، بلکه ارزیابی و بررسی مکاتب مختلف را برای خود ضروری می‌داند و تا به نظام اخلاقی درست و جامع دست نیابد، آرام نمی‌گیرد؛ بنابراین، فلسفه اخلاق نه تنها به لحاظ معرفتی و روانی، باور و اطمینان ما را به ارزش‌های اخلاقی مقبول بیشتر می‌کند، بلکه در عمل نیز موجب پای‌بندی بیشتر ما به آن ارزش‌ها و تلاش برای حفظ و گسترش ارزش‌ها و نظام اخلاقی درست می‌گردد.